



## اصول فقه ۴ (حلقه ثالث)

# درس ۳۴

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی  
آموزشیار: آقای حمید تقی زاده سی سخت

در مطالب پیش گفته، رکن دوم استصحاب تحت عنوان شک در بقاء، محور مباحثی قرار گرفت و فروعاتی که بر آن مترتب می‌شدند مورد بررسی قرار گرفتند. در این میان برخی از اصولیون معتقدند که رکن دوم استصحاب به گونه ای دیگر است و نباید تصور کرد که شک در بقاء، رکن دوم است. و با طرح شکل جدیدی از این رکن به دنبال رفع بعضی از موانع پیش رو در جریان استصحاب هستند.

در این درس شهید صدر (ره) با مطرح کردن این شکل جدید، آن را نقد کرده و بیان می‌کنند که هیچ ثمره جدیدی بر این طرح جدید از رکن دوم مترتب نخواهد بود.

ثم ان هذا الركن الثانى قد يصاغ بصياغة أخرى، فيقال : ان الاستصحاب متقوم بان يكون رفع اليد عن الحالة السابقة نقضاً لليقين بالشك. و يفرع على ذلك بلأنه متى ما لم يحرز ذلك و احتمال كونه نقضاً لليقين باليقين فلا يشمل النهى فى عموم دليل الاستصحاب. و قد مثل لذلك بما إذا علم بطهارة عدة أشياء تفصيلاً ثم علم إجمالاً بنجاسة بعضها، فان المعلوم بالعلم الإجمالى لما كان مردداً بين تلك الأشياء فكل واحد منها يحتمل ان يكون معلوم النجاسة، و بالتالى يحتمل ان يكون رفع اليد عن الحالة السابقة فيه نقضاً لليقين باليقين، فلا يجرى الاستصحاب بقطع النظر عن المعارضة بين الاستصحاب هنا و الاستصحاب هناك و نلاحظ على ذلك أولاً : ان العلم الإجمالى ليس متعلقاً بالواقع بل بالجامع، فلا يحتمل ان يكون أى واحد من تلك الأشياء معلوم النجاسة.

## رکن دوم از نگاهی دیگر

در مطالب پیش گفته به بررسی رکن دوم از قاعده استصحاب پرداختیم و بیان شد که شهید صدر (ره) این رکن را شک در بقاء و منشا رکنیت آن را ظاهر روایات استصحاب می‌دانند.

بعضی از اصولیون شکل دیگری را برای رکن دوم مطرح کرده‌اند. در درس‌های پیشین بیان شد که رکن دوم قاعده استصحاب، شک در بقاء است، اما برخی مدعی شده‌اند که رکن دوم، این است که رفع ید از حالت سابقه، نقض یقین به شک باشد و هرگاه مکلف رفع ید از حالت سابق کند، نقض یقین به شک محسوب گردد، و مفاد ادله استصحاب حرمت نقض یقین به شک است. پس رفع ید از حالت سابق نقطه مقابل استصحاب است که به معنای باقی ماندن بر حالت سابق است.

اگر مکلف بداند لباس او سابقاً نجس بوده و در حال حاضر احتمال بدهد پاک شده است و بنا را بر طهارت بگذارد نقض یقین به شک کرده است. در حالی که شارع مقدس به طور صریح در ادله استصحاب وی را از چنین نقضی نهی کرده است؛ «لا تنقض یقین ابدأ بالشک».

بنابراین اگر احتمال دهیم که چنین معنایی صدق نمی‌کند؛ یعنی محرز نباشد که رفع ید از حالت سابقه، نقض یقین به شک است رکن دوم محرز نیست و استصحاب جاری نخواهد بود.

### توضیح مطلب در ضمن مثال

اگر احراز نکنیم که سخنی کذب است نهی به آن تعلق نمی‌گیرد. بنابراین نهی وقتی تعلق می‌گیرد که محرز شود. فرض کنیم مکلف علم تفصیلی دارد که این دو ظرف در سابق پاک بوده‌اند، و در حال حاضر علم اجمالی دارد که یکی از این دو ظرف نجس شده است.

می‌خواهیم نشان دهیم در این مثال بین دو شکلی که در رکن دوم قائل شده‌اند تفاوت وجود دارد. از آنجایی که مشهور قائل به رکنیت شک در بقاء هستند، معتقدند فی نفسه در هر یک از دو ظرف استصحاب جریان دارد، مگر اینکه محل تعارض استصحاب باشند. قید «فی نفسه» بیانگر آن است که به طور معمول جریان استصحاب در هر یک نسبت به جریان دیگری تعارض دارد و اگر در هر دو استصحاب طهارت جاری کنیم مرتکب ترخیص در مخالفت قطعیه شده‌ایم، و اگر بدون دلیل فقط در یک ظرف، استصحاب جاری کنیم، ترجیح بلا مرجح است.

اما اگر تعارض رخ نداد، برای مثال، یکی از دو ظرف قبل از اینکه محل علم اجمالی قرار گیرد از محل ابتلاء خارج شده باشد، استصحاب بدون هیچ مشکلی جریان دارد.

در مقابل، به نظر کسانی که قائل به شکل دوم رکن دوم استصحاب هستند، در هیچ یک از دو ظرف استصحاب طهارت فی نفسه جاری نیست؛ زیرا در این فرض هر کدام از دو ظرف ممکن است در واقع متعلق علم اجمالی باشد؛ یعنی محتمل است هر کدام از دو ظرف همان ظرفی باشد که مکلف علم اجمالی به نجاست آن دارد، پس دست برداشتن مکلف از هر کدام از دو ظرف نقض یقین به یقین خواهد بود؛ یعنی نقض یقین تفصیلی به طهارت به یقین اجمالی به نجاست.

بنابراین احراز نمی‌شود که رفع ید، نقض یقین به شک باشد و حال آن که برای اینکه نهی در دل یل استصحاب شامل موردی شود باید احراز شود که رفع ید از حالت سابقه نقض یقین به شک باشد.

### متن عربی و نکات تطبیقی

ثم ان هذا الركن الثاني قد يصاغ بصياغة أخرى، فيقال: ان الاستصحاب متقوم بان يكون رفع اليد عن الحالة ال سابقة (۱) نقضاً لليقين بالشك. و يفرع على ذلك بأنه (۲) متى ما لم يحرز ذلك و احتمال كونه نقضاً لليقين باليقين فلا يشمله النهي في عموم دليل الاستصحاب. و قد مثل لذلك (۳) بما إذا علم بطهارة عدة أشياء تفصيلاً ثم علم إجمالاً بنجاسة بعضه (۴)، فان المعلوم بالعلم الإجمالي لما كان مردداً بين تلك الأشياء فكل واحد منها يحتمل ان يكون معلوم النجاسة، و بالتالي يحتمل ان يكون رفع اليد عن الحالة السابقة فيه (۵) نقضاً لليقين باليقين، فلا يجرى الاستصحاب بقطع النظر عن المعارضة بين الاستصحاب هنا و الاستصحاب هناك.

۱. یعنی: ترک استصحاب

۲. متعلق: یفرع

۳. یعنی: برای آنجا که احراز نشده رفع ید، نقض یقین به شک باشد.

۴. مرجع ضمیر: عدة اشياء.

۵. مرجع ضمیر: کل واحد

SCO1:16:30

### اثری بر قول جدید مترتب نیست

شهید صدر(ره) دو اشکال را نسبت به این شکل از رکن دوم، مطرح می کند که البته به طور مستقیم متوجه اصل شکل ارائه شده نمی‌شود، بلکه متوجه ثمره‌ای است که بر این شکل متفرع است. و در صدد بیان این مطلب است که بر این قول نسبت به رکنیت شک در بقاء، اثر جدیدی مترتب نیست.

اولین اشکال، مربوط به مباحث علم اجمالی در باب ماهیت علم اجمالی است. در تفسیر ماهیت علم اجمالی چند مسلک وجود دارد. مشهور علم اجمالی را متعلق به جامع، می‌داند اما محقق عراقی علم اجمالی را متعلق به واقع می‌داند. بنابر نظر صحیح که نظر مشهور است، هیچ ثمره‌ای بر این شکل مترتب نیست.

محقق عراقی قائل است که علم اجمالی به واقع تعلق دارد؛ یعنی اگر در واقع نجاست به ظرف سمت چپ اصابت کرده است علم اجمالی مکلف در واقع به همان نجاست ظرف سمت چپ تعلق دارد، اما چون علم اجمالی است لذا مکلف احتمال می‌دهد که هر کدام از این دو ظرف همان ظرفی باشد که در واقع نجاست به آن تعلق گرفته است. طبق این دیدگاه اگر ظرف سمت چپ همان ظرفی باشد که در واقع نجاست به آن اصابت کرده پس مکلف علم اجمالی به نجاست این ظرف در واقع دارد و اگر بخواید رفع ید از حالت سابق کند، مصداق نقض یقین به یقین خواهد بود؛ یعنی نقض یقین به طهارت، به یقین به نجاست. هر چند که این یقین، یقین اجمالی است اما نقض یقین به شک صدق نخواهد داشت.

اما مشهور قائلند که علم اجمالی به جامع تعلق یافته است؛ یعنی علم اجمالی مرکب است از علم به جامع بین اطراف و شک‌های تفصیلی که به تعداد اطراف متعدند.

### مثال

ما یک علم به نجاست یکی از دو ظرف داریم. اما وقتی به هر کدام از دو ظرف نگاه می‌کنیم شک تفصیلی به نجاست داریم. پس آنچه در واقع مکلف بدان علم دارد نجاست جامع بین این دو ظرف است و نسبت به خصوص نجاست هر ظرف شک تفصیلی دارد. پس رفع ید از طهارت سابق هر یک از دو ظرف نقض یقین به شک است یعنی نقض یقون به طهارت به شک به نجاست هر یک از دو ظرف. پس بنابر اینی که رکن دوم، نقض یقین به شک باشد باز هم رکن دوم به شکل دوم آن تمام است و مشکلی برای جریان استصحاب وجود ندارد.

### متن عربی و نکات تطبیقی

و نلاحظ علی ذلک (۱) أولاً: ان العلم الإجمالی لیس متعلقاً بالواقع بل بالجامع، فلا یحتمل ان یکون ای واحد من تلک الأشياء (۲) معلوم النجاسة.

۱. مشارالیه: شکل جدید از رکن دوم.

۲. یعنی: اطراف علم اجمالی.

SCO۲:۲۶:۰۲

۱. در درس‌های پیشین بیان شد که رکن دوم قاعده استصحاب، شک در بقاء است، اما برخی مدعی شده‌اند که رکن دوم، این است که رفع ید از حالت سابقه، نقض یقین به شک باشد..
۲. طبق طرح جدید رکن دوم، اگر محرز نباشد که رفع ید از حالت سابقه، نقض یقین به شک است رکن دوم محرز نیست و استصحاب جاری نخواهد بود.
۳. شهید صدر(ره) معتقد است که بر این شکل از رکن دوم، نسبت به رکنیت شک در بقاء، اثر جدیدی مترتب نیست.
۴. محقق عراقی قائل است که علم اجمالی به واقع تعلق دارد؛ پس اگر مکلف بخواهد رفع ید از حالت سابق کند، مصداق نقض یقین به یقین خواهد بود.
۵. مشهور قائلند که علم اجمالی به جامع تعلق یافته است؛ پس رفع ید از طهارت سابق هر یک از دو ظرف، نقض یقین به شک است و مشکلی برای جریان استصحاب وجود ندارد.